

علم أصول الفقه

٤٤

٩٣-١١-٤ ظهور

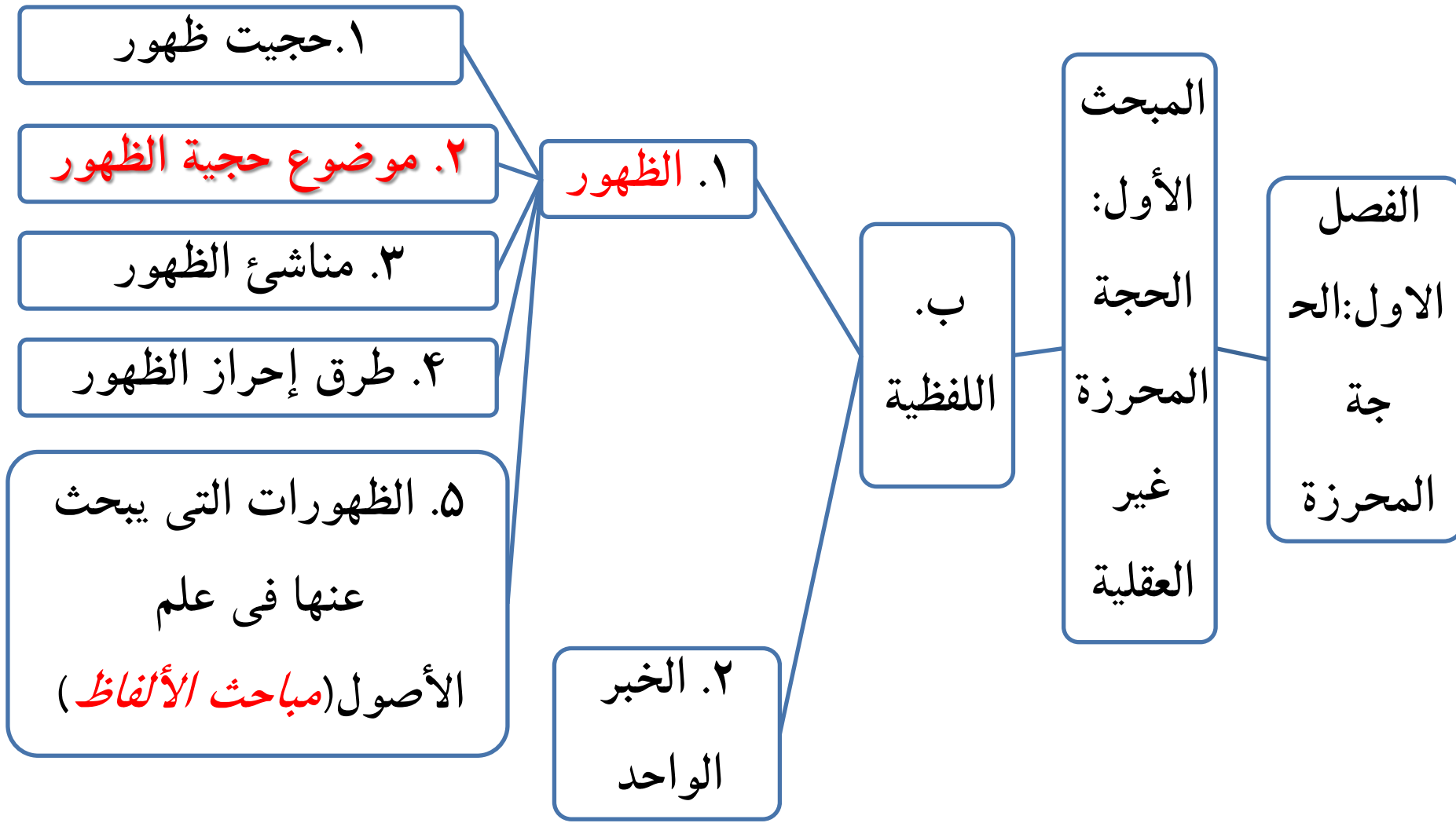
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

مَنْ يَضْمَنُ لِي مَوْتَ عَبْدِ اللَّهِ أَضْمَنَ لَهُ الْقَائِمَ

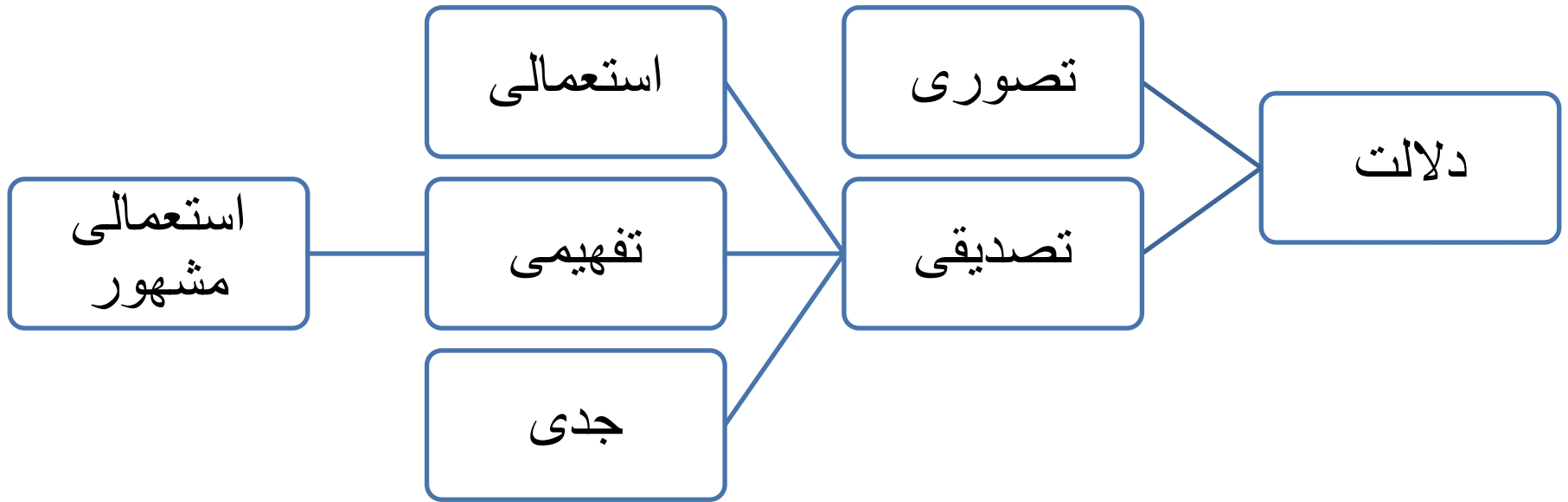
• عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ
عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ
اللَّهِ يَقُولُ مَنْ يَضْمَنُ لِي مَوْتَ عَبْدِ اللَّهِ أَضْمَنَ لَهُ
الْقَائِمَ ثُمَّ قَالَ إِذَا مَاتَ عَبْدُ اللَّهِ لَمْ يَجْتَمِعِ النَّاسُ بَعْدَهُ
عَلَى أَحَدٍ وَ لَمْ يَتَنَاهَ هَذَا الْأَمْرُ دُونَ صَاحِبِكُمْ إِنْ شَاءَ
اللَّهُ وَ يَذْهَبُ مُلْكُ السِّنِينَ وَ يَصِيرُ مُلْكُ الشُّهُورِ وَ الْأَيَّامِ
فَقُلْتُ يَطُولُ ذَلِكَ قَالَ كَلَّا «٣»

مَنْ يَضْمَنْ لِي مَوْتَ عَبْدِ اللَّهِ أَضْمَنْ لَهُ الْقَائِمَ

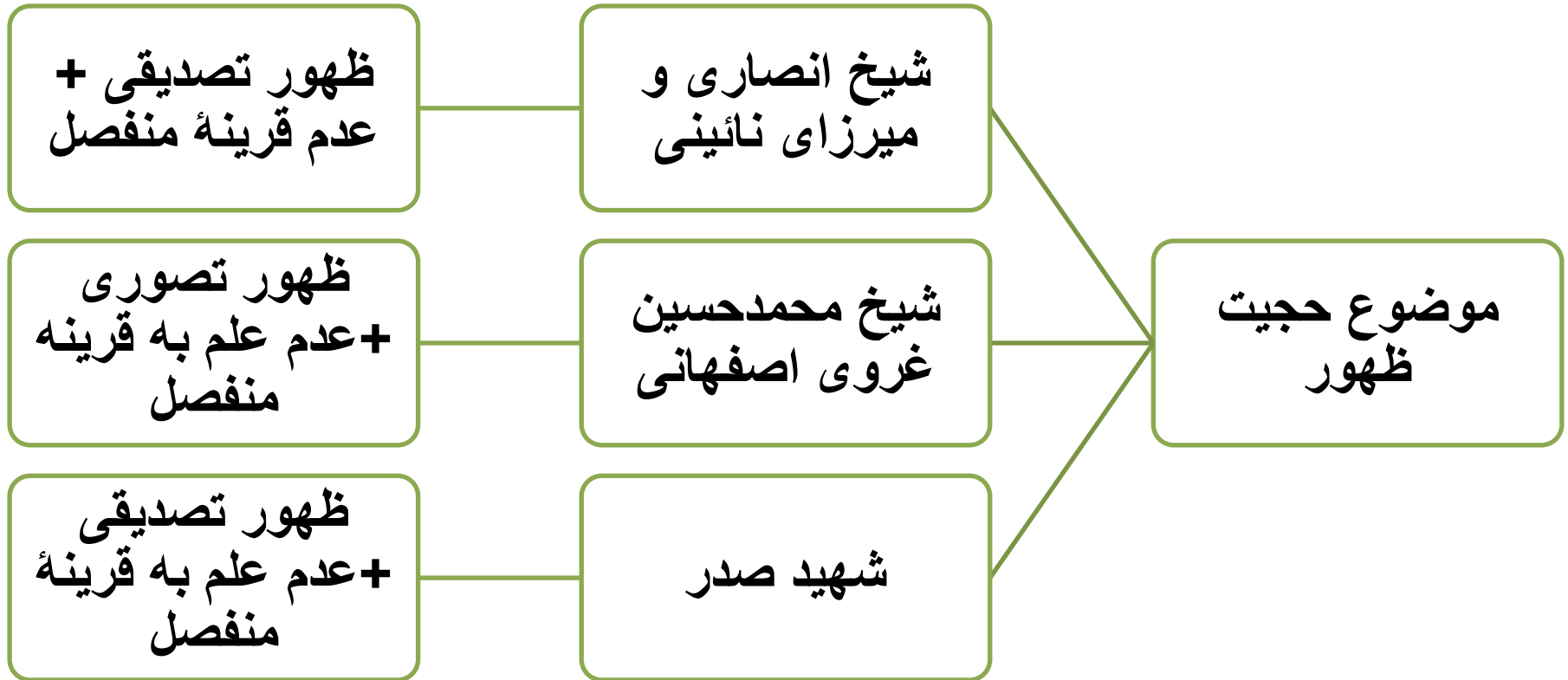
- قَالَ ع مَنْ يَضْمَنْ لِي مَوْتَ عَبْدِ اللَّهِ أَضْمَنْ لَهُ قِيَامَ الْقَائِمِ لَا تَجْتَمِعُ النَّاسُ بَعْدَهُ عَلَى أَحَدٍ
- قد ظهر من العلامات عدة كثيرة مثل خراب حائط مسجد الكوفة و قتل أهل مصر أميرهم و زوال ملك بنى العباس على يد رجل خرج عليهم من حيث بدأ ملكهم و موت عبد الله آخر ملوك بنى العباس و خراب الشامات و مد الجسر مما يلي الكرخ ببغداد كل ذلك فى مدة يسيرة و انشقاق الفرات و سيصل الماء إن شاء الله إلى أزقة الكوفة.

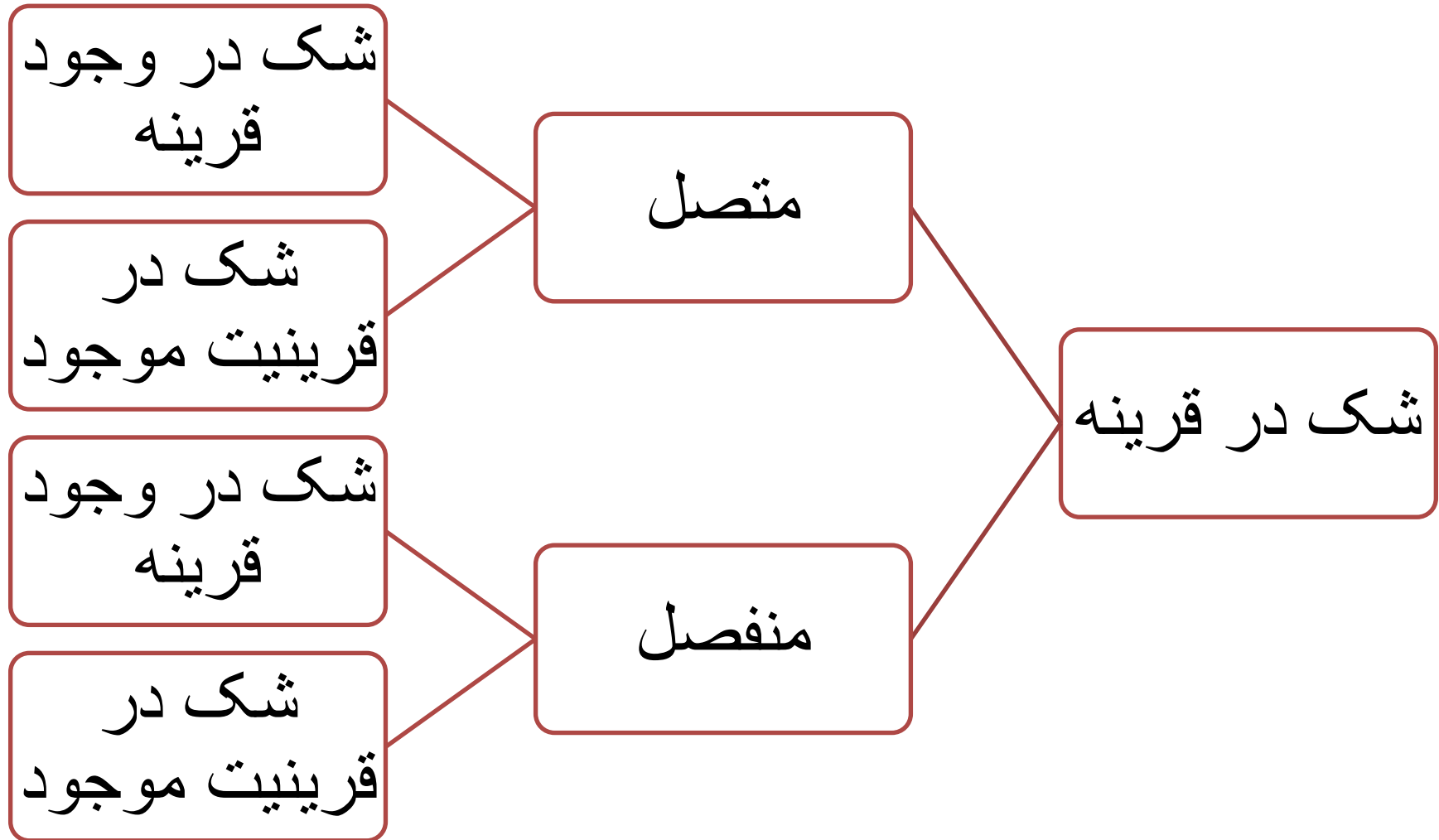


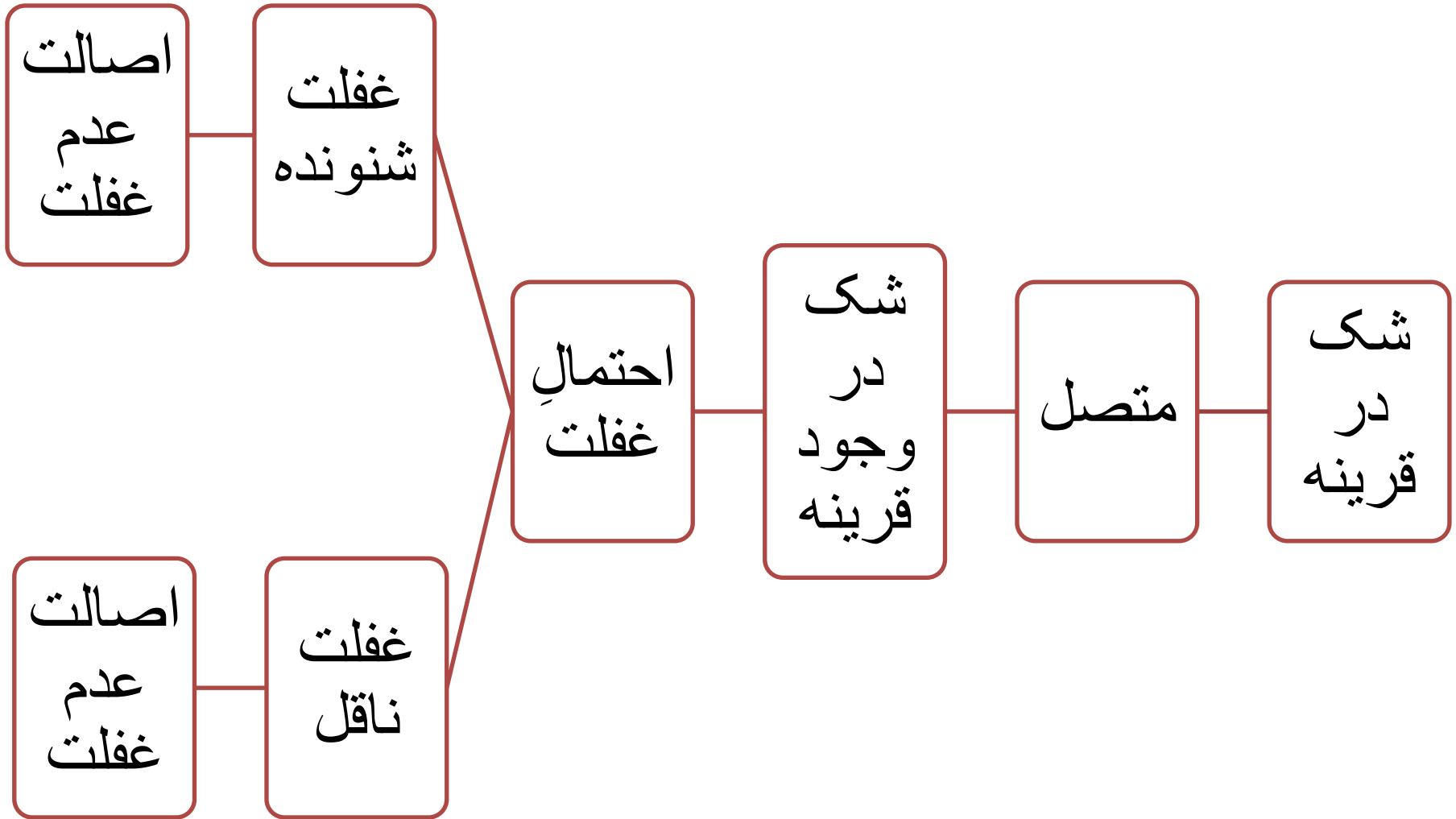
تقسيم شهيد صدر

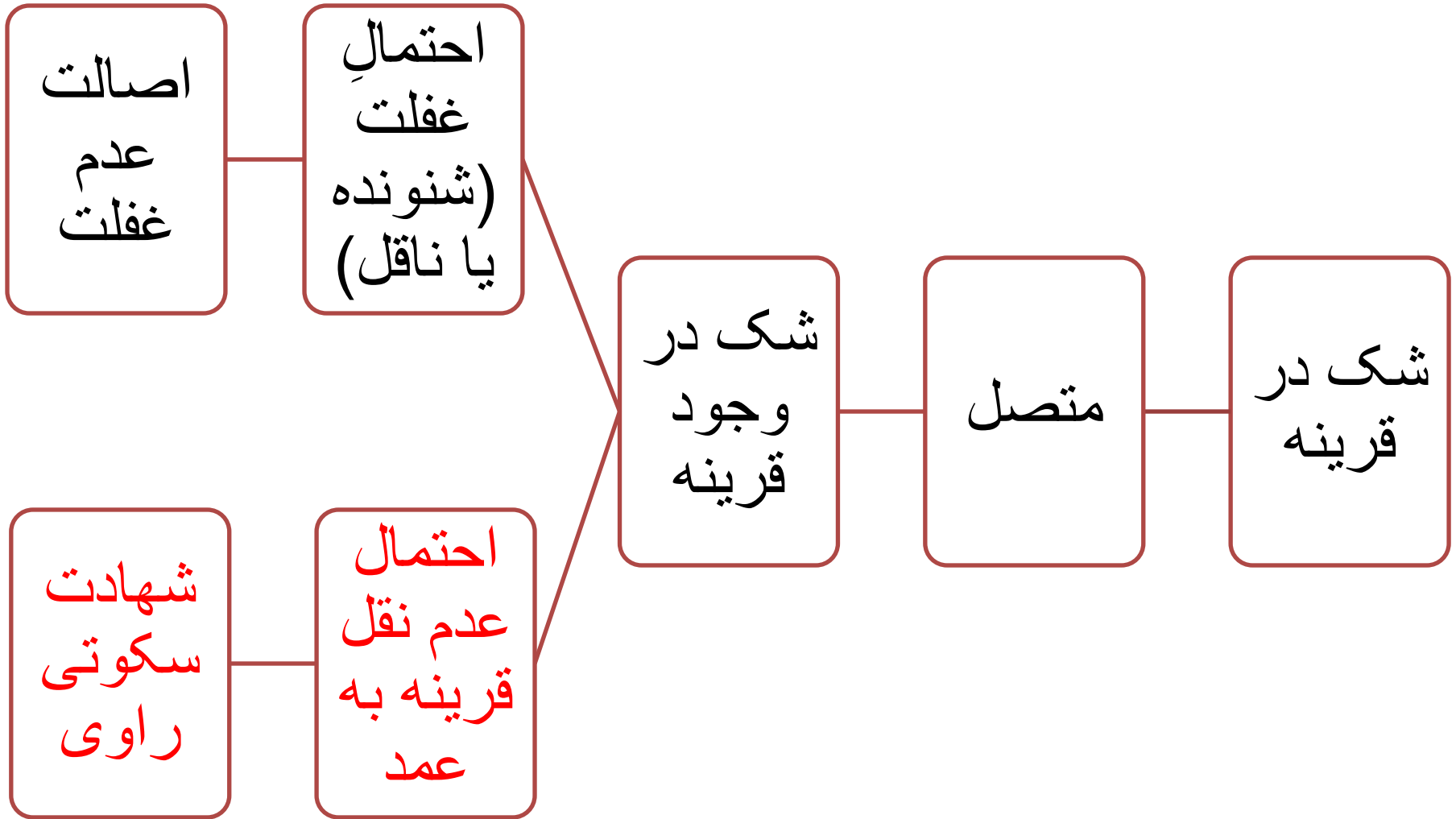


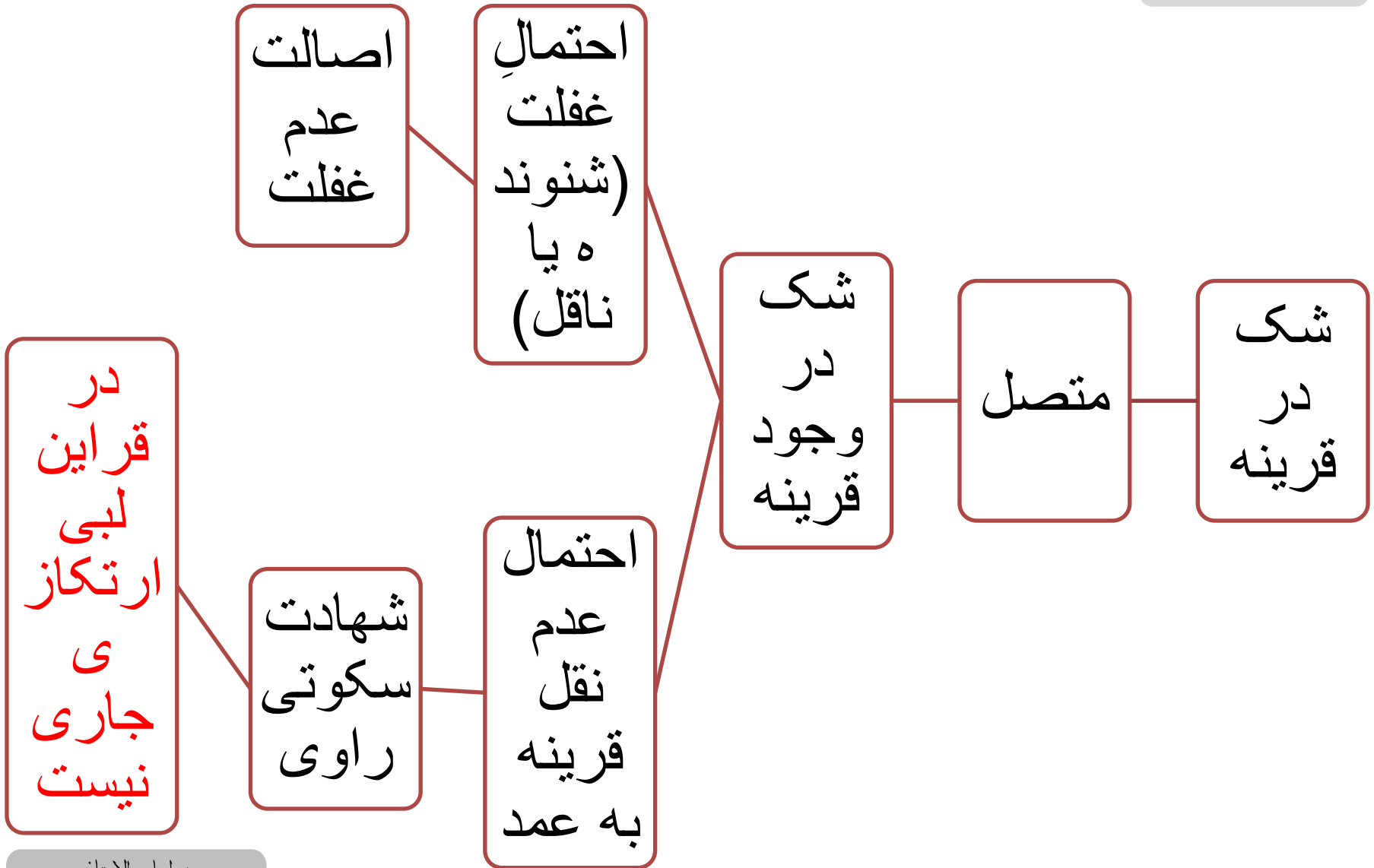
دیدگاه‌های مختلف در موضوع حجیت ظهور

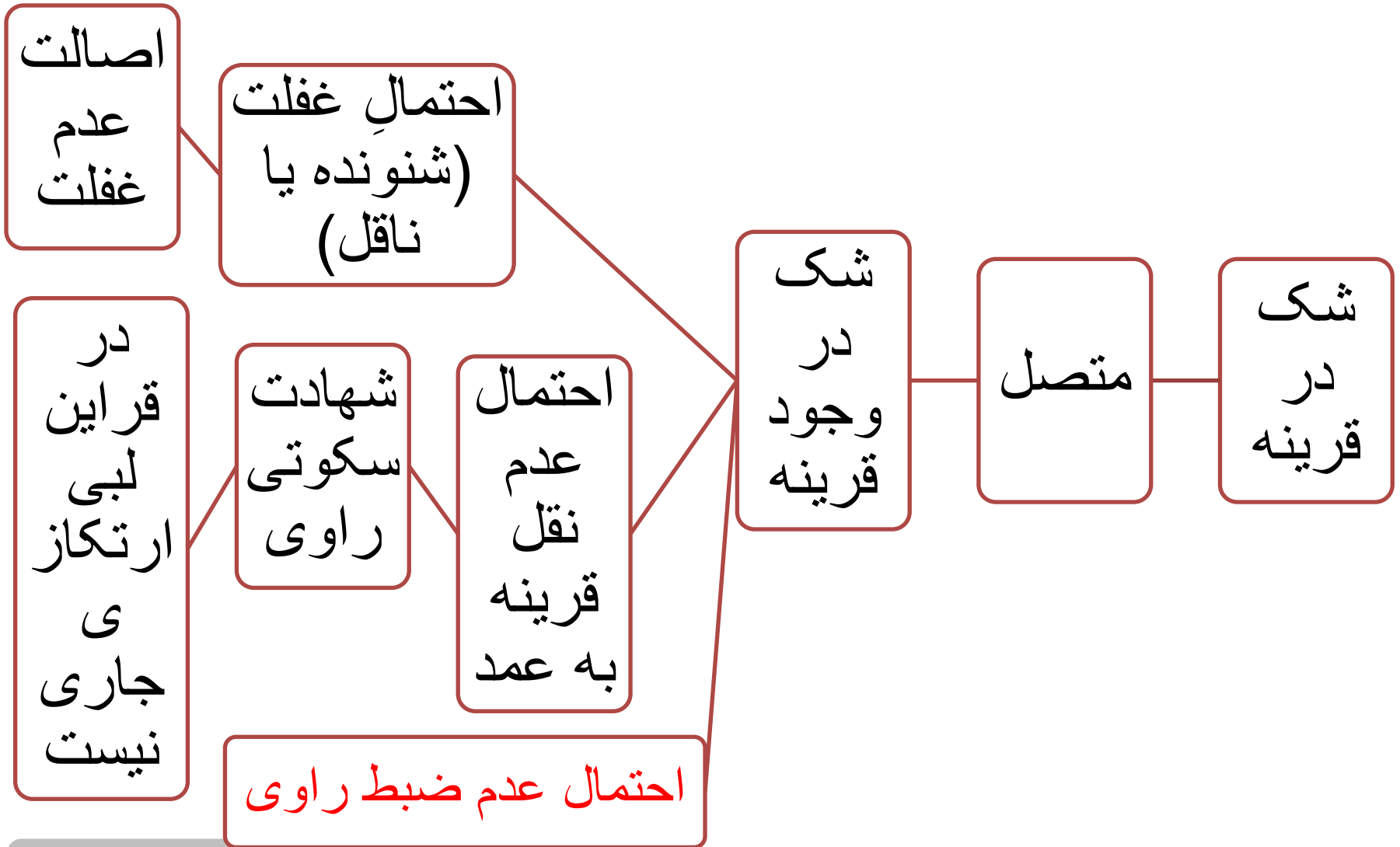












دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله عليه

- دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله عليه
- نظریه شهید صدر رضوان الله عليه در بحث وضع مبتنی بر نظریه پائولوف (انعکاس شرطی) است.
- وی معتقد است **وضع نوعی انعکاس شرطی** است.
- شخص به محض اینکه لفظ را شنید، به معنا منتقل می‌شود و اینکه لفظ از چه مصدری نشأت گرفته باشد، دخالتی در این انتقال ندارد؛ چه گوینده‌ای باشد و چه نباشد و چه گوینده دارای شعور باشد و چه فاقد شعور.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

• جزء اول

• جزء اول را از این باب پذیرفتیم که احتمال دیگر یعنی ظهور تصویری نمی‌تواند جزء موضوع حجیت باشد؛ چون ظهور تصویری جز یک تصور نیست و صرفاً یک علقه و ارتباط تکوینی است و تصدیقی و اذعانی به همراه ندارد؛ زیرا کاشف از اراده‌ای ماوراء خودش نیست تا ما نسبت به آن امر مکشوف اذعان و تصدیقی داشته باشیم مرتبه‌ای از کشف به معنای اینکه بخلاف دلالت تصدیقی که در آن تصدیق و اذعان وجود دارد.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- یک محکی ورای این حاکی هست که از رهگذر این حاکی نسبت به آن محکی اذعانی پیدا می‌کنیم.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله عليه

- بدون شک دلالت تصویری مقدمه دلالت تصدیقی است همچنان که تصور مقدمه تصدیق است. پس اگر ظهور تصویری نباشد، اصلاً ظهور تصدیقی پیدا نمی‌شود؛
- چون ابتدا باید از لفظی که برای معنایی وضع شده است، به آن معنای موضوع له منتقل شویم. سپس از اراده گوینده ذی شعور و شکل‌گیری ظهور تصدیقی سخن بگوییم.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- حتی پایین ترین مرحله ظهور تصدیقی یعنی ظهور استعمالی تابع ظهور تصویری است؛ چون ظهور استعمالی این است که گوینده لفظ را از آن جهت که صلاحیت دلالت بر این معنا را دارد، استعمال کند و وقتی لفظ، صلاحیت دلالت دارد که برای آن معنا وضع شده باشد.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- ظهور تصدیقی است که با توجه به توضیحی که در باب حجیت دادیم، عبارت است از ظهور جدی یعنی مدلول جدی. برای انعقاد این ظهور تصدیقی باید قرینه متصل در کلام نباشد؛ البته گاهی قرینه متصل در مرحله قبل از ظهور جدی دخالت دارد و گاهی قرینه متصل فقط در ظهور جدی تصرف می‌کند.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- وقتی لفظ را به صورت مجاز به کار می‌بریم و قرینه‌ای بر مجاز می‌آوریم، این قرینه قبل از مرحله مراد جدی و در مرحله مراد استعمالی - در اصطلاح مشهور - اثر می‌گذارد یا در اصطلاح شهید صدر رضوان الله علیه در مرحله مراد تفهیمی اثر می‌گذارد؛ چون قرینه بر مجاز نشان می‌دهد که متکلم چیزی را که می‌خواهد به ذهن مخاطب خود خطور دهد، معنای حقیقی نیست، بلکه معنای مجازی است. قهراً وقتی در مدلول تفهیمی تصرف شد، مدلول جدی هم تغییر خواهد کرد.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله عليه

- گاهی قرینه متصل، در مدلول جدی تصرف می‌کند بدون اینکه در مرحله قبل از آن تغییری ایجاد کند. تخصیص عام یا تقیید مطلق از این قبیل است. وقتی متکلم می‌گوید «أكرم العلماء إلا الفساق منهم» استثناء «الفساق» باعث نمی‌شود مدلول استعمالی یا تفهیمی «العلماء» تغییر کند؛ اما مدلول جدی آن را تغییر می‌دهد. در نتیجه مدلول جدی، وجوب اکرام عالمانی است که فاسق نیستند یعنی همان عالمان عادل.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله عليه

- بنابراین با آمدن قرینه، مدلول جدی تغییر می‌کند. در نتیجه ظهور منعقد شده و کشف رخ داده متفاوت می‌شود.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- جزء دوم
- جزء دوم موضوع حجیت ظهور در نظر شهید صدر رضوان الله علیه عبارت است از عدم علم به قرینه منفصل؛ یعنی اطلاع نداشته باشیم که آیا متکلم به صورت جداگانه قرینه‌ای بر تعیین مراد جدی خودش آورده است یا نه. اگر به صورت منفصل قرینه‌ای آورد، این قرینه ظهور آن عبارت قبلی‌اش را از بین نمی‌برد.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله عليه

- وقتی متکلم بگوید: «أكرم العلما»، این سخن ظاهر در عموم است؛ یعنی کشف می‌کند که او خواهان اکرام همه عالمان است. وقتی که در یک عبارت جداگانه می‌گوید: «لا تكرم عالم الفاسق»، این عبارت ظاهر در این است که متکلم خواهان اکرام عالمان فاسق نیست. و این دو ظهور با هم تنافی پیدا می‌کند.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله عليه

- در اینجا ظهور خاص باعث می شود ظهور عام در حوزه خاص، حجیت خود را از دست بدهد؛ یعنی گرچه در ابتدا به نظر می رسد که متکلم با گفتن «أكرم العلماء» خواهان اکرام همه عالمان عادل و فاسق است، با ورود «لا تكرم العالم الفاسق» حجیت «أكرم العلماء» در ناحیه عالمان فاسق از بین می رود؛ یعنی دیگر نمی توانیم بگوییم متکلم خواهان اکرام عالمان فاسق هم است و این معنا را بر عهده متکلم بگذاریم.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- در بحث عام و خاص خواهیم گفت که در تقدم خاص بر عام دو مبنا وجود دارد: یک مبنا این است که خاص اظهر از عام است. در نتیجه خاص از باب تقدم اظهر بر ظاهر بر عام مقدم می‌شود. مبنای دوم این است که خاص قرینه عرفی بر تعیین مراد از عام است در حالی که عام قرینه عرفی بر تعیین مراد از خاص نیست. بنابراین خاص از باب قرینیت بر عام مقدم می‌شود. در آن بحث توضیح خواهیم داد که مبنای قرینیت درست است.

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- چرا می گوئیم عدم علم به قرینه منفصل و نمی گوئیم عدم قرینه منفصل؟ در اینجا دو تقریر وجود دارد:

دلیل دیدگاه شهید صدر رضوان الله علیه

- بحوث فی علم الأصول، ج ۱، ص ۸۱ - ۸۳.
- به همین جهت لفظ مهمل - در اصطلاح ادبیات عرب - دلالت تصویری ندارد. پس دلالت تصدیقی هم ندارد.
- بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۲۶۷.

تقریر اصفهانی رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- تقریر اصفهانی رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم
- ایشان فرمودند اصلاً عدم قرینه واقعی نمی تواند جزء موضوع حجیت ظهور باشد و چنین چیزی عقلاً محال است؛ زیرا ظهور، یک امر علمی است و به عالم اثبات و عالم کشف مربوط می شود در حالی که عدم قرینه در عالم واقع، یک امر ثبوتی است و احکام مرتبه ثبوت با مرتبه اثبات متفاوت است. از جمله اینکه یک امر ثبوتی نمی تواند در چیزی که در مرتبه اثبات قرار دارد به صورت شرط اخذ شود.

تقریر اصفهانی رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- در حقیقت ایشان می فرماید وقتی می گوئیم ظهور حجت است، حجت امری است که به عالم کشف مربوط می شود.
- پس ما با حجت می خواهیم چیزی را کشف کنیم و نمی تواند چیزی در آن شرط شود که خودش از سنخ کشف و علم نیست و عدم قرینه یک امر واقعی است و ربطی به علم من ندارد.

تقریر اصفهانی رضوان الله علیه از دلیل جزء دوم

- بنابراین چیزی که در مرحله اثبات می تواند قرار بگیرد، عدم علم به قرینه است نه عدم قرینه.
- عدم علم به قرینه مثل علم به قرینه امری مربوط به عالم اثبات و کشف است؛ چون از نظر فلسفی هر چیزی که در یک مرتبه باشد، عدم آن هم در همان مرتبه محسوب می شود.

تقرير اصفهانی رضوان الله عليه از دليل جزء دوم

- بنابراین اگر علم در مرتبه عالم کشف و اثبات است، عدم علم هم در همان مرتبه است و متعلق علم یعنی آن چیزی که علم به آن تعلق می‌گیرد، اگر در مرحله ثبوت است، عدمش هم در مرحله ثبوت است. بنابراین چون قرینه یک امر ثبوتی است، عدم قرینه هم یک امر ثبوتی خواهد بود.